

### معزولی لشکر نویس

و ثوق السلطنه لشکر نویس باشی موثوق لشکر را مأمور شاهرود نموده به جای ایشان مجیر السلطان مأمور است، وارد شاهرود شده اند.

### قتل دونفر کرده محله

دوازدهم ماه اگست چهار نفر رعیت کرده محله سه بار غوره و یک بار خربزه به عنوان میرزا جعفر خان منشی قونسول روس حمل به شهر می نمایند. نیم فرسخی مغربی توی رودخانه انجیر آب سی سوار جعفر بائی بسخو داشته جلوگیری می نمایند. دونفر آنها را بدقتل رسانیده، سر بریدند. چهار مال و دو قبضه تفنگ و راندل به انضمام بارها گرفته بردند. روز سیزدهم میرزا جعفر خان ده نفر قزاق برای گرفتن مال و بارها به جعفر بائی فرستاده. تاجه شود.

### آوردن گامیش ترکمان را

پانزدهم ماه مذکور خبر رسید اهالی کرده محله شصت رأس گامیش از طایفه بشی اوسقه چپاول نموده بردند.

### آمدن سوار اتابائی به سلطان آباد

شانزدهم ماه اگست سی سوار طایفه آق اتابائی برای چپاول گاوهای سلطان آباد رفته، اهالی قریه خبردار شده طرفین یک ساعت شلیک تفنگ نموده، یک رأس اسب ترکمان را گرفته خدمت پاج شیخ حسین آوردند.

## نمره ۶۹

۲۷ ماه اگست

### تعدیات مدیر روس

در زیارت خاصه رود غدغن کرده کسی تفنگ خالی نکند. هر آینه هر یک از اهالی شهر تیر خالی نمایند تفنگ او را ضبط کنند. ضمناً ملا رحیم زیارتی توی رودخانه در میان آب گرم معدنی رفته، مدیر دو قزاق فرستاده عباى او را بردند. توسط زیادی چهار هزار وجه جرم از مشارالیه گرفته عبا را دادند، من جمله یک نفر پهلوى آب نشسته بود غلام خود را فرستاد بدین سبب چند پشت گردنی به رعیت بیچاره زدند. ملا زمان قونسولگری به سبب حرکات جوانی مدیر رنجش کلی دارند.

### بیرون کردن حکومت شاهرود

هیجدهم ماه اگست خبر رسید به سبب قتل دو نفر شاهرودی که سجاهدین شریک شده بودند، اهالی شاهرود از حجام کرده حکومت را بیرون نمودند.

### گرفتن مدیر ترکمان را

به عرض رفته بود در حکومت امیر مکرم چهاراسب از قونسولخانه روس ترکمانها بسرقت برده مجدداً مدیر سه نفر قزاق فرستاده بایک نفر غلام. یک نفر از کسان سارقین را بدقونسولخانه آورده حبس کردند. صد تومان از بابت پراکان (?) راه دوس مرتبه قزاقها رفته بودند گرفته ترکمان را به صحرا فرستادند.

### رفتن رامیانی به میقان

بیستم ماه مذکور خبر رسید متجاوز از هزار نفر رامیانی و کتولی برای وجه نقدی که اهالی میقان از محل بیلاق سالار معزز به غارت برده بودند رفته مطالبه می نمایند. از طرف شوکت نظام نایب الحکومه شاهرود برای میقانی امداد رفته زدو خوردی می نمایند. چهار نفر رامیانی مقتول، هفت نفر تیر گرفته مراجعت نمودند. دوسه نفر میقانی مقتول و مجروح گردیده.

### ورود دو نفر مأمور پولتیکی روس

بیست و یکم ماه اگست دو نفر کپتان روس به لباس عربی بادومکاری عرب از راه شاهرود وارد به کاروانسرای حاجی آقامحمدی گردیده لباس عربی را بیرون آورده لباس خود را پوشیده بدقزاقخانه رفتند.

### ورود لشکر نویس

روز مذکور موثوق لشکر به مأموریت شاهرود حرکت کرده، حاج مجیر السلطان به ریاست لشکر نویسی استرآباد وارد بدیوانخانه گردیده، دو روز است در تجسس خانه می باشد که اجاره نماید.

### در باب نوشته سالار مقتدر

بیست و سوم ماه مذکور به حاج محمود آقا که از ملازمان مخصوص است نوشته بودند اینجانب برای هرج ۵۶ و مرج ایران در تحت حمایت قوی شوکت اعلی حضرت امپراطور روس رفته و قبول فرمودند. از طرف کمیسیون روس همه به تمام نقاط ابواب جمعی فندرسک اعلان داده شده که میر سعدالله خان فندرسکی در حمایت روس رفته است. عموم اهالی فندرسک این مطلب را فهمیده و آسوده شده اند. لکن به تحریک حاج شیخ حسین دو کروزر اموال

علی محمدخان سالار معزز را به غارت بردند و حالیه خود مشارالیه از میان یموت درخان بین آمده ناخوش است. لکن این دوروزه قدری بهتر بشوند فکر خود را خواهند کرد. به مهر يك نفر آدم غیر معروف همین مطالب را به وزیر داخله و خارجه و... ۱۵۷ نوشته بفرستید. به سبب عرض فوق العاده که حاج شیخ حسین نموده و محرك قتل بهرامعلی خان وسایر صاحب منصبان استرآباد شده، ایلخانی که اول شخص استرآباد است در حمایت روس رفته و عمده فریب سالار معزز و ساعد لشکر و غیرهم برای محافظت جان و اموال و ملك خود از ایران مدنظر نموده در پیمایت و تبعیت روس را قبول خواهند کرد. هر آینه دولت و ملت مشروطه بخواهند که استرآباد برقرار شود و اعیان ولایت به لجاجت یکدیگر خاک استرآباد را بدوالت روس واگذار نکنند فریضه مشروطه خواهان است که امر نموده حاج شیخ حسین را از استرآباد تبعیدش نمایند. تا [آسایش] اهالی استرآباد و سرحدی برقرار شود.

### درباب نزاع «کندر» با تلگرافچی

شب ۲۴ ماه اگست چراغ بيك نایب تلگرافچی با «کندر» روس در قونسولخانه مست کرده نزاع می نمایند. مدیر به شهر آمده بعد از تحقیق تقصیر با کندر بوده، قرار شد کندر با عده ای قزاق خود برود.

### درباب رئیس تلگراف روس

بیست و پنجم ماه اگست رئیس تلگرافخانه روس از راه خوجه نفس به شهر می آمد دریکه مازو رسیده يك نفر ارمنی تبعه ایران را مقتول دیده. حین ورود اظهار داشت مقتول به سن بیست و پنج ساله عرابه داشت مال التجاره از گموش تپه حمل نموده بود، پنجاه تومان هم امانت داشته ترکمانها او را به قتل رسانیده، وجه پنجاه تومان را برده بودند. به سبب تعفن نعش چهارروزه در همانجا او را دفن کرده عرابه را آوردند.

### ورود قزاق و چکت

روز بیست و ششم بیست و پنج نفر قزاق و چکت از گنبد قابوس آمده در باغ منزل نمودند.

### درباب شدت باران

در اوایل تابستان هوا خیلی گرم و مدتی خشکی نموده بود که بعضی از دهات شلتوك خشك شده. لکن در این چندروزه شب و روز باران می بارد. از کثرت باران مردم آذوناله می نمایند.

## نمره ۷۰۵

۴ ماه سپتمبر ۱۹۰۹

### درباب سیل بندرجز

به عرض رفته بود که بارندگی زیادی شده. بیست و نهم ماه اگست خبر رسید يك نفر قزاق روس با يك نفر لیوانی می گذشتند رودخانه سرخیر هفت فرسخی مغربی سیل جاری بود قزاق و لیوانی را با اسب و تفنگ می برد. بعد از دو روز «اگنط» بندر آدم اجیر نموده نعش قزاق را از تنوی خرابه ها پیدا کرده دفن کردند.

### درباب نوشته علاءالدوله

ایضاً توسط پست پاکتی به عنوان امیر سعدالله خان فندرسکی و علی محمد خان حاکم کتول آمده. در تمام یموت از قول ایشان منتشر گردید که علاءالدوله نوشته است انجمن استرآباد را به قوه قهریه و به همدستی طوایف گوکلان و یموت برهم زنید. در صورتی که سالار مقتدر هم تمام خوانین و سران یموت را احضار کرده انعام و جایزه زیادی به عموم آنها داده برگشتند.

### درباب رفتن سالار مقتدر و معزز به طایفه کوچک

غره ماه سپتمبر خبر رسید سالار مقتدر و سالار معزز به اسم رفتن امامزاده اهل و عیال خود را از خانه حرکت داده با اسباب و لوازمات مشخص و پول زیادی به او به کوچک رفته هفت الاچیق برای ایشان سروپا کردند. قلیچ ایشان امام جمعه گوکلان که خود را سید دانسته با ایلخانی پسر عمو خطاب می نماید طوایف یموت از مشارالیه شنوائی دارند با چهار صد سوار گوکلانی آمده در صحرای کمالان اردو انداخته و از ایلات سوار خبر نموده همه روزه ترکمان به اردوی کمالان می روند. از قرار مذکور يك مرتبه به قوش کرپی دهات کتول حمله کرده چند خانه را آتش زده چهار نفر کتولی هم مقتول و دو نفر زن اسیر کرده، هفت نفر هم از گوکلانی به قتل رسیده، این دو روزه از اطراف سوار زیادی به اردوی ایشان رفته در وقت نماز متجاوز از دو هزار نفر اقتدا به مشارالیه می نمایند.

### قتل رعیت اوزینه

غلام نام ساکن قریه اوزینه نیم فرسخی شرقی با تراکمه طایفه ایلغی همدست بوده، دویم ماه مذکور خبر رسید تراکمه مذکور از مشارالیه شکی حاصل نموده در صحرا او را به قتل رسانیدند.

### درباب آمدن قزاق به گنبد قابوس

ایضاً خبر رسید چند عرابه از راه چاتلی به گنبد قابوس آمده، منتشر گردید اسبابهای

قزاق و سوار جکت است که سوار جکت و قزاق زیادی به کمیسیون گنبد قابوس خواهد آمد. تاجه اقتضا کند.

### درباب وکیل استرآباد و شاهرود

چندی قبل از طهران وکیل خواسته بودند. انجمن استرآباد و شاهرود جواب داد، در این دو نقطه وکیل به هم نمی رسد. در طهران اعضای انجمن خودشان وکیل معین نمایند. تاجه شود.

### تلگراف سپهدار به قلیچ ایشان

سالار اکرم آمدن قلیچ ایشان و سواریموت را در صحرای کمالان تلگرافاً به سپهدار راپرت داده بودند. معظم الیه سیم ماه مذکور تلگرافی به قلیچ ایشان نموده شرارت را به کنار بگذارید. چندی صبر نمائید قدری از انقلابات طهران آسودگی حاصل شود، در حق شماها کمال مرحمت خواهد شد. تلگراف را رئیس تلگرافخانه برای قلیچ ایشان فرستاده. تاجه اقتضا کند.

## نمره ۷۱

۱۱ ماه سپتمبر ۱۹۰۹

### حکومت استرآباد

مدتی است حاج شیخ حسین به اعضای انجمن همه روزه در تلگرافخانه رفته از سپهدار حکومت طلب کردند. چندی قبل میرزا علی خان ۱۵۸ از ملازمان خود را به حکومت برقرار کرده شلیک توپ و خوشحالی نمودند. به سبب شرارت طوایف یموت رئیس انجمن و جمعی تلگراف کردند امیراعظم را به حکومت استرآباد بفرستید. پنجم ماه سپتمبر زمان مغرب تلگراف برای حاج شیخ حسین نمودند امیراعظم به حکومت استرآباد و سمنان و دامغان و شاهرود برقرار شده، همین دو روزه حرکت خواهند کرد. نه تیر توپ هم شلیک نمودند.

### درباب قلیچ ایشان

به عرض رفته بود اردو را در کمالان کتول صلاح ندانسته در تمام یموت جار کشیدند اشخاصی که به امیر سعدالله خان ایلیخانی دشمن باشد بامن دشمن خواهد بود، لهذا اردو را از کمالان حرکت داده در گل چشمه مغربی رامیان اردوی مفصلی از تراکمه چمور و چاروا منعقد نموده شب بیست و ششم ماه مذکور دویست و پنجاه نفر ترکمان گوکلان

به سرداری حسن بیک رامیانی از بستگان عباس خان برادرزاده ایلخانی پیاده به سررامیان می‌روند که صبح سوار بدرامیان رفته منهدم نمایند. حسن بیک با پیاده ترکمان سه دسته سنگربندی رامیانی راداغان کرده، رامیانی شبانه عیال و اطفال خود را به جنگل می‌برند، مراجعت کرده غفله پیاده ترکمان را احاطه می‌نمایند. نه نفر پیاده تراکه حسن بیک مقتول و چند نفر هم رامیانی مقتول شده فرار کردند. از قراری که تراکه اتابائی از اردوی قلیچ ایشان آمده اظهار می‌نمایند کمیسیون روس با قلیچ ایشان قول داده بدانندازه دو کروور مخارج اردوی شمارا خواهد داد. ایضاً از طرف مدیر پنج نفر قزاق برای راپرت به گنبد قابوس رفته. تاجه شود.

### بردن دو نفر سرخانکلائی

شب هفتم ماه سپتمبر ده نفر سوار ایلغی دو نفر کشیک بان شلتوک را از سر نسقاسیر کرده بردند.

### شرارت گلوگاهی

مکاری شاهرودی چندبار خشکه با صد تومان وجه حمل بندرجز کرده سارقین گلوگاه دهنه بارکلاه یک نفر مکاری را به قتل رسانیده صد تومان وجه نقد را گرفته رفتند. سرحددار بندرجز چهار نفر از اهالی گلوگاه را باشش رأس مال گرفته نگاه داشتند. تاجه شود.

### بردن پول برای سالار

هشتم ماه مذکور خبر رسید چهار بار وجه نقد از قلعه نو با چهار من تریاک و چند دست لباس و چند حقه تریاکی برای سالار معزز در طایفه کوچک بردند. پانصد تومان وجه توسط ترکمان درگموش تپه فرستاده فشنک و باروت و سرب خریدند اموال غارت شده را از رعایای کتول پس بگیرند. تاجه اقتضا کند.

### مأموریت اعتصام الممالک

نهم ماه سپتمبر وزیر امور خارجه اعتصام الممالک را مأمور کارگذاری رشت می‌نماید. مشارالیه با دو هزار تومان قرض تمام اسباب و هستی خود را به قیمت نصف حراج کرده در تجسس مکاری بوده حرکت نمایند. مجدداً تلگراف از وزیر خارجه رسیده حرکت را منتهی نمایند. منتظر خبر ثانوی باشید.

### چپاول گاو سلطان آباد

صبح دهم ماه سپتمبر صد سوار طایفه ایلغی بدقریه سلطان آباد دوفرسخی بین شمال و شرقی آمده چهار صد رأس گاو قریه مذکور را چپاول کرده یک نفر چوپان را به قتل رسانیده رفتند.

### بردن يك نفر علی آبادی

شب یازدهم ماه مذکور چندسوار طایفه ایلغی يك نفر کشیک بان شلتوک را از قریه شغال آباد مشهور به پل خورده يك فرسخی شرقی گرفته بردند.

### نمره ۷۳

#### متفرق شدن اردوی قلیچ ایشان

به سبب رسیدن تلگرافات سپهدار به خوانین ترکمان در اردوی قلیچ ایشان در صورتی که سالار معزز هر يك نفر سواری را روزی سه هزار دینار جیره می داد، ترکمانها تماماً متفرق گردیده قلیچ ایشان هم مراجعت به گوکلان نمودند.

#### گاوهای سلطان آباد

طایفه اتابائی ساخلوی قریه مذکور بود. چند نفر پیر مردان او به را به طایفه ایلغی فرستاده خواهش نمودند گاو مارا طایفه ایلغی مسترد بدارد. طایفه ایلغی جواب داده چهار صد تومان بدهید گاوها را ببرید. ۱۳ ماه سپتمبر خبر رسید طایفه اتابائی از عالی ودانی سوار شده به طایفه ایلغی یورش آوردند، تراغ سختی با ایشان کرده يك اسب از ایلغیها تیر افتاده محاصره شده به عجز آمدند. گاوها را تماماً مسترد کرده طایفه اتابائی گرفته به قریه سلطان آباد آوردند. بعد از گرفتن گاوها صدویست تومان وجه مصالحه از رعیت سلطان آباد گرفته به سوارهای ایلغی داده قطع مجادله شد.

#### منتخب انجمن استرآباد

به عرض رفته بود به انجمن طهران تلگراف نموده بودند در استرآباد منتخب پیدا نمی شود. از طهران نه نفر اشخاص محترم به استرآباد صورت دادند به انضمام سه هزار تعرفه. چند روز پاج شیخ حسین رئیس انجمن مسجد جامع را فرش کرده جار کشیدند. برای گرفتن تعرفه انتخاب همه روزه اهالی به مسجد رفته تعرفه گرفتند. سه نفر اشخاص مزبور راهر کس به میل خود برای انجمن استرآباد منتخب نمایند. تقریباً دویست و بیست و پنج نفر در این چند روزه به اهالی استرآباد تعرفه داده شد. تا چه اقتضا کند.

#### تلگراف امیر اعظم

۱۴ ماه مذکور نواب امیر اعظم تلگرافی به سالار اکرم نایب الحکومه نموده صد دست لباس قزاقی برای سوارهای شخص نواب داده دوخته با صد جفت چکمه به شاهرود بفرستید. مشارالیه فوراً پارچه گرفته مشغول دوختن لباس و چکمه می باشند.

### ورود حاکم مازندران

شازدهم ماه سپتمبر خبر رسید حاج مجدالدوله به حکومت مازندران وارد شده، فوراً احتشام نظام و کلانتر علی آباد را گرفته حبس کردند. انجمن ساری و اشرف برقرار است.

### گرفتن کردمحلہ چهار نفر ترکمان را

طایفه جعفربائی یک نفر پشت کوهی را اسیر کرده صاحبش صدتومان آورده اسیر خود را بخرد. اهالی کردمحلہ صدتومان وجه را گرفته به عهده گرفتند اسیر را از ترکمانها پس بگیرند. فوراً ملاکیله زیر حد کردمحلہ رفته توی لتکا چهار نفر ترکمان خودنفسی را آوردند. دونفر اسیر با چند قبضه تفنگ خود را از تراکمه جعفربائی مطالبه دارند. تاجه شود.

### درباب رفتن قزاقهای روس

هیجدهم ماه مذکور قزاقهای روس تماماً باغ عباس خان را تخلیه نموده با چند عرابه به گنبد قابوس رفتند.

### فوت شیخ عبدالکریم مجتهد

روز نوزدهم ماه سپتمبر شیخ عبدالکریم مجتهد که شخصی فاضل و باکمال بود به رحمت ایزدی پیوست. آقا شیخ عبدالرزاق در مسجد جامع ختم گذاشتند.

### درباب رفتن اعتصام [به] رشت

بیستم ماه مذکور وزیر امور خارجه مجدداً تلگرافی به اعتصام الممالک نموده به مأموریت رشت حرکت نمائید. لکن بادو هزار تومان قروض چگونه طلبکاران می گذارند مشارالیه حرکت نماید.

### درباب عزل رکن الوزاره

ایضاً انجمن استرآباد از رکن الوزاره رئیس کمیسیون گنبد قابوس شاکی شدند که تبعید شود. از قرار مذکور تلگرافی از وزارت خارجه رسیده معزول است. به قرب پانصد تومان در گنبد قابوس مقروض و قوه حرکت ندارد.

نمره ۷۳

غره اکتبر ۱۹۰۹

درباب آمدن ساعدلشکر

مدتی از طرف حاج شیخ حسین و سالاراکرم و غیره و شیخ محمد باقر به ساعدلشکر



نوشتند به شهر آمده کارها را اصلاح نمایند. مشارالیه ۲۳ ماه سپتمبر به شهر آمده سواره می رود خدمت حاج شیخ حسین. جمعی در مجلس بودند. هر يك از آنها کنایه و نامربوط گفتند. مراجعت به منزل نموده دوزدیگر در مسجد جامع رفته حاج شیخ حسین به قرب دو ساعت نسبت به ایلیخانی و سالار معزز وساعدلشکر پرخاش کرده، مشارالیه از مسجد حرکت نموده تعرضاً اسب خود را سوار شده به دهات ملك رفتند.

### لخت کردن پسر حاج اکبر را

ایضاً خبر رسید اهالی سرخانکلاه پسر حاج علی اکبر تاجر تبریزی را بایک نفر فندرسکی لخت نموده، دو بیست تومان مال ایشان را به غارت بردند.

### درباب قتل يك نفر محمدآبادی

يك نفر رعیت محمدآبادی نبی نام با تراکمه اتابائی همدست بوده، ۲۴ ماه مذکور کناره رود گرگان او را به قتل رسانیده نعش او را توی آب انداخته تفنگ و مالش را بردند. بعد از دوز نعش مذکور را به شهر آورده دفن کردند.

### قتل يك نفر سرخانکلائی

بیست و پنجم ماه سپتمبر ده نفر سوار طایفه ایلیغی توی نسق سرخانکلاه ریخته پسر تقی نام را به قتل رسانیده رفتند.

### درباب بردن دو نفر چارچناری

ایضاً خبر رسید طایفه مذکور دو نفر رعیت چارچناری دو فرسخی شرقی را اسیر کرده بردند.

### درباب کردمحلّه

به عرض رفته بود میرزا محمدخان امیر مکرّم دودانگ و نیم کردمحلّه را از دولت خریداری کرده به میرزا جعفر منشی قونسول اجاره داده است. پسر میرزا جعفر به مباشری قریه مذکور رفته، رعیت سه فرقه شده. حاج محمد حسین رئیس می گوید حیدرقلی خان کلانتر باشد. فرقه دیگر محمدقلی خان را به کلانتری خواهانند. يك فرقه هم بامیرزا جعفر همراهی دارند. لکن پسر میرزا جعفر از ترس به شهر آمده در اینجا با حاج شیخ حسین مذاکره دارند.

### بردن يك نفر توشنی را

شب ۲۷ ماه مذکور تراکمه تیره آق اتابائی بیرون شهر علی نام زارع را از سرنسق شلتوک اسیر کرده بردند.

### درباب بردن دونفر زن از محله سرپیر

شب ۲۹ ماه سپتمبر یازده سوار طایفه مذکور به شهر آمده خانه کربلائی حسنعلی ۱۵۹ پیرمرد را شکافته ساعت شش از شب عیال و عروس مشارالیه را بالحاف پیچیده به صحرا بردند. صبح کربلائی محمدخان بادونفر سوار به صحرا رفته ترکمانها اظهار داشتند سپهدار یک نفر غرناغ که چهارصد تومان خریده بودیم گرفته به مصمصام لشکر داده است بایک اسب محمدآبادی زیر حد کما سی. تیرزده بیاورید اسیر را ببرید. کربلائی محمدخان مراجعت نموده شب غره ماه اکتبر جمعی از پیرمردان سرپیر و سبز مشهد به منزل حاج شیخ حسین رفته تظلم نمودند. پنجاه تومان پاج شیخ حسین با توابع خود داده، صدوسی تومان اقوام اسرا دادند، بیست تومان پیرمردان سبز مشهدی داده، غره ماه اکتبر دوست تومان وجه را کربلائی محمدخان با سه سوار گرفته به صحرا رفتند. ترکمانها جواب داده این وجه قیمت یکی از اسرا می باشد. چهارصد تومان دیگر بدهید اسرا را ببرید.

### درباب گرفتن گمر کچی و خیاطهای شهری را جعفر بائی

به عرض رفته بود اهالی کرد محله چهار نفر ترکمان خوجه نفسی را گرو می نمایند. ترکمانهای خوجه نفسی و گموش تپه جمع شده دونفر گمر کچی باده خیاط شهری که در جعفر بائی بوده تماماً را گرفته در گموش تپه زنجیر نموده نگاه داشتند.

### درباب نفاق بین حاج شیخ حسین و شیخ باقر

اگرچه مدتی است بین شیخ محمد باقر و حاج شیخ [حسین] برهم خورده لکن به واسطه آمدن ساعد لشکر به منزل شیخ محمد باقر مزید بر علت گردیده قریه اوزینه را که شیخ محمد باقر مخارج و زحمات زیادی کشیده انجمن رأی دادند چند نفر به قریه اوزینه نیم فرسخی شرقی رفته ملازم شیخ محمد باقر را بیرون نموده تصرف نمودند. چند روز است ابداً اعتنائی به شیخ محمد باقر نمی کند.

## نمره ۷۴

ماه اکتبر

### سرقه گاو میدان

شب سیم ماه اکتبر تراکمه اتابائی به شهر آمده بیست رأس گاو از گذر میدان سرقه کرده بردند.

### رفتن ترکمان به سر رامیان

ایضاً خبر رسید یک نفر از طایفه داز و یک نفر طایفه ایمر با چند سوار به رامیان می روند

توی خرمن شلتوک چند نفر رامیانی را به قتل رسانیده شش رأس مال چپاول کرده زمان مراجعت دونفر سردار تراکمه تیر گرفته ورود به صحرا فوت شدند.

### درباب حکومت شاهرود

انتظام الدوله به حکومت شاهرود وارد می شود. امیر اعظم تلگرافی به شوکت نظام نموده سمنان و دامغان و شاهرود و استرآباد را به من واگذار نموده اند، شما نایب الحکومه می باشید. به این سبب اهالی شاهرود اعتنائی به انتظام الدوله نداشته کارهای شاهرود راجع به شوکت نظام است. حکومت جدید خیال مراجعت به طهران دارند. تاچه شود.

### بردن اسیر از قلعه محمود

شب پنجم ماه مذکور تراکمه اتابائی به شهر آمده، اهالی شهر با خبر شده مراجعت به قریه قلعه محمود بین شمال و غربی یک فرسخی یک نفر اسیر بردند.

### رفتن اعتصام به رشت

۲۵ اکتبر اعتصام الممالک اهل و عیال را به استرآباد گذاشته از ترس قرض خواه محرمانه عزیمت به رشت نموده سه رأس اسب خود را در آواز کرایه خانه به گماشته صمصام لشکر داده رفتند که از آنجا وجهی فرستاده تا اهل و عیال را حرکت بدهند. وزیر امور خارجه امورات را به کفایت میرزا علی اکبر خان واگذار کرده تا ورود کارگذار جدید رسیدگی نمایند.

### نوشتن قضات جعفر بائی به انجمن ولایتی

ایضاً قضات جعفر بائی اه انجمن ولایتی کاغذی نوشتند مدتی است بین ولایت و تراکمه نزاع و جدال رفت و آمد می شود. تقصیر از جانب رؤسای انجمن می باشد. تا زمانی که اتفاق نگردیده موجب فتنه و فساد فوق العاده و خرابی فقرا خواهد بود. حتی الامکان خوب است اسباب آسودگی و اصلاح را پیش آورده طایفه یموت با ولایتی رفت و آمد نمایند.

### فحاشی میرزا جعفر منشی به شیخ حمزه و حاج محمد حسین

روز ۶ ماه مذکور طرف عصری شیخ حمزه و شیخ علی اکبر پیش نماز با چند سادات ساکن کرد محله توی توپخانه بودند، میرزا جعفر خان وارد شده بیرون کردن پسر خود را عرض نموده نسبت به شیخ حمزه و حاج محمد حسین رئیس نامربوط زیادی می گوید. ایشان خدمت حاج شیخ حسین در انجمن شکایت کردند. از طرف انجمن کاغذ سخت به میرزا جعفر نوشتند. تلگرافی به وزیر مختار دولت روس با وزیر امور خارجه و داخله از بی اعتدالی میرزا جعفر خان شکایت نموده تاچه اقتضا کند.

### درباب دونفر اسیر

راپرت را حاج شیخ حسین به سپهدار عرض نموده تلگرافی به ساعدلشکر و خوانین اتابائی نمودند حکماً دونفر اسیر را به شهر بفرستید. از طرف انجمن هم به ساعدلشکر کاغذی نوشته به انضمام تلگراف فرستاده مشارالیه دونفر تراکمه داز را به جهت شما فرستاده، ترکمانهای طایفه آق جواب دادند هزار تومان قیمت دو اسیر را ساعدلشکر بده می دهیم. مجدداً حاج شیخ حسین محمدخان یوزباشی را برای خلاصی اسرا فرستاد جواب کردند. عجاله بین محله سرپیر و حاج شیخ حسین در این مسئله کدورت سختی واقع شده است. تا چه شود.

### آمدن مهدی خان برادر ایلخانی

هفتم ماه اکتبر برادر سالار مقتدر به شهر آمده وارد به انجمن گردیده، از حرکات سالار مقتدر بکلی خود را بی طرف نموده، رؤسای انجمن میل دارند او را در عوض سالار حاکم فندرسک نمایند. تاجه شود.

### سرق تفتنگ ذخیره

زمانی که مجاهدین قفقاز به استرآباد آمده بودند محمد ابراهیم ملازم میرپنجه توپخانه با عبدالحسین نام ملازم سالاراکرم و نایب تقی قورخانچی همدست شده دوازده قبضه تفتنگ و راندل و یک قبضه تفتنگ پنج تیره سرق می نمایند. این دوروزه چهار قبضه تفتنگ مسروقه را از بندر گرفتند. سالاراکرم فوراً سه نفر سارق را گرفته حبس نمودند.

### احضار ساعد لشکر به شهر

حاج شیخ حسین برای اغتشاش سرحدی ساعدلشکر را احضار نموده مشارالیه صبح هشتم ماه مذکور به شهر آمده از قرار آمدن امیر اعظم به استرآباد موقوف نشود. خیال دارند ساعد لشکر را نایب الحکومه نمایند. تاجه اقتضا کند.

## نمره ۷۵

### ۲۳ اکتبر رفت

### قتل بچه و زخم مادرش در باغو

دهم ماه اکتبر دونفر رعیت باغو شش فرسخی مغربی به شهر آمده خدمت سالاراکرم عارض شدند که چند نفر اشرار قریه شب به سرزنی رفته پهلوی مشارالیه را کارد زده طفلش را به سن دوازده ساله قتل نموده اند. مأموری برای گرفتن مرتکبین باغو رفته به شهر حاضر نمایند.

### قتل ترکمان ایلغی و بردن چهار نفر اسیر

شب ۱۲ ماه مذکور سوار طایفه ایلغی به قریه چارچنار دوفرسخی شرقی رفته سه نفر بچه، یک نفر آدم بزرگ، دورأس مادیان گرفته می روند. یک نفر تفنگچی از ترکمانها جاوگیری کرده یک نفر راتیرزده افتاده سرش را جدا نموده خدمت حاج شیخ آوردند. قرار است ترکمانها چهار نفر اسیر را با دو مادیان مسترد نمایند و مقتول خود را ببرند.

### بردن مال از جلین

ایضاً تراکمه اتابائی به قریه جلین یک فرسخی شرقی رفته دورأس گاو، یک رأس مال سرقت کرده بردند.

### درباب کردمحلّه

میرزا جعفر جان بعد از بیرون نمودن پسرش خود به قریه کردمحلّه رفته می فرستند دو نفر مقصر را بگیرند. به اجازه حاج محمد حسین رئیس، ملازم میرزا جعفر را چوب مفصلی می زنند. در ضمن تلگرافی از طهران رسید معاملات محمد علی شاه تماماً برگشت کرده به ملاحظه اینکه میرزا جعفر تصرفات در مالیه دیوان نموده امساله در ید او باشد. ورود ایالت استرآباد از عهده مالیات دیوانی برآید. دو نفر از جانب سالار اکرم به قریه کردمحلّه رفته بین منشی قونسول روس را با حاج محمد حسین رئیس التیام داده برگشتند.

### اصلاح فندرسکی با ایلخانی

به موجب حکم و سفارشات جناب مستطاب آخوند ملا کاظم خراسانی که از نجف به فندرسک رسیده تماماً به امیر سعد الله خان سالار مقتدر اصلاح نموده، لکن مهدی خان برادر سالار به تحریک انجمن ولایتی بر ضدیت برادرش رفتار می نماید.

### قتل یک نفر در مهتر کلاته

هفدهم ماه اکتبر صدسوار طایفه جعفر بائی به قریه یساقی چپاول رفته اهالی قریه جاوگیری نموده برگشتند، به سمت مهتر کلاته سه فرسخی مغربی رفته کربلائی طهماسبی قجر را دستگیر کرده برگشتند. یک قبضه تفنگ، یک رأس مادیان و یک رأس گاو با سر مشارالیه را بریده بردند و سی تومان وجه برای استرداد سرمقتول می خواهند.

### درباب علی توشنی

به عرض رفته بود تراکمه اتابائی او را از بیرون به شهر برده اند. صد و بیست تومان علی نام را قیمت وجه می خواستند. کسان مشارالیه منزل و کالت آمده آه و ناله زیادی کرده برای افتخار دولت فحیمه و کالت به صحرا رفته علی توشنی را بیست و پنج تومان از تراکمه خریده آوردند.

### درباب تلگراف امیر اعظم

از شاهرود نواب والا تلگرافی به سالاراکرم و حاج شیخ حسین نموده روز بیستم ماه اکتبر مقارن ظهر وارد شاهرود شدم. اگرچه از بس تلگراف و خبرهای اراجیف برای ورود حکومت شده است ازیموت و غیره کسی معتقد به این تلگرافات نیست، تا حکومت وارد نشود. از قرار مذکور چهارشنبه ۱۲ شوال مطابق ۲۷ ماه اکتبر به استرآباد وارد خواهند شد. تاچه شود.

### ورود سوار کلبادی

بیست و یکم ماه مذکور پنجاه سوار کلبادی به ریاست حیدر سلطان ابوابجمعی سالار مکرّم وارد به کاروانسرای شهر شدند.

### نمره ۷۶۵

#### ۳۵ اکتبر رفت

### درباب نخت کردن دونفر سوار فندرسکی

یک نفر ترکمان اتابائی در مدتی در فندرسک با سوارهای مهدی خان سرتیپ دوستی و رفاقت داشتند، دونفر از فندرسکی را به عنوان سرقت اسب و شتر همراه خود به طایفه اتابائی آورده دو اسب متعلق به مهدی خان سرتیپ بوده با دو قبضه تفنگ یکی پنج تیره بود، دو عدد شلول و دو ساعت آن دو سوار فندرسکی را گرفته ایشان را خواستند به قتل برسانند. پیرمردان او به باخبر شده ممانعت کرده دونفر فندرسکی را نجات داده روانه به فندرسک نمودند.

### درباب حرکت ایالت

روز بیست و هشتم ماه اکتبر امیر اعظم به سالار تلگراف نموده از شاهرود حرکت کردم. جمعی از طرف حاج شیخ حسین و غیره استقبال رفته، ساعدلشکر هم چند نفر سران طایفه داز را با سوارهای خود گرفته دوفرسخی شرقی در خیرات چادرزده منتظر ورود امیر اعظم می باشند.

### بردن یک نفر اسیر

ایضاً طایفه اتابائی از جنوبی شهر یک نفر آدم در شب بیست و نهم ماه مذکور اسیر کرده بردند.

### فرستادن ایالت کربلائی محمدخان را از شاهرود

روز مذکور امیر اعظم کربلائی محمدخان داروغه اتابائی را از شاهرود روانه نموده

سالار مقتدر و سالار معزز را خوانین یموت اطمینان داده تماماً در خیرات برای استقبال حاضر باشند. تاجه اقتضا کند

### آمدن سالار مقتدر و [سالار] معزز در طایفه یموت

ایضاً خبر رسید از گوکلان کاغذی به طایفه یموت نوشته اند که اغراض سابقه را به کنار گذارده تماماً باهم یکدل و یک جهت باشیم. هر زمانی که با ولایت تراعی نشود تماماً در یک نقطه جمع بشویم برای ورود امیر اعظم. میر سعد الله خان و علی محمد خان در طایفه یموت آمده یک شب در خانه سردار طایفه داز که در رامیان مقتول شده فاتحه آمده به سمت جعفر بائی عازمند. بعد از ورود ایالت با این اغتشاش سرحدی و رنجش سر کرده ها و تراکمه از حاج شیخ حسین و شیخ محمد باقر و غارت اموال سالار معزز و کدورت بین امیر اعظم و دونفر خوانین مذکور چه نوع سلوک خواهد شد. هر آینه ایالت استرآباد به دستور العمل حاج شیخ حسین رفتار نماید وضع استرآباد منقلب خواهد شد و تراکمه یموت و چاروا تماماً مستعد شرارت می باشند.

### درباب نجات دو زن اسیر

حاج شیخ با طایفه دونفر اسیر سرپیر خصومت ورزیده تا کنون محرك بوده اسرا در یموت بمانند. ورود ایالت نزدیک شده. دویست و بیست و پنج تومان وجه سابقاً محمد خان یوزباشی به صحرا برده توسط خوانین اتابائی دونفر اسیر را خریده به شهر آورده تسلیم حاج شیخ نمودند که موجب افتخار و از مغزی الیه ... والا باید سران به ... محمد خان ... سارقین می دادند. ۱۶۰

## نمره ۷۷

### ۶ نوامبر رفت

#### درباب برادرزن میرزا داود خان مسیحی به خانه میرزا هادی

میرزا هادی تاجر یزدی برای وصول حقوق اهالی استرآباد از امیر مکرملاریجانی به طهران رفته از طرف میرزا داود خان مسیحی و کالت دارد و عیال خود را به میرزا داود سپرده است. شب سیام اکتبر برادرزن میرزا داود به خانه میرزا هادی یزدی رفته دست تعدی به سمت مشارالیها دراز می کند. مشارالیها نامربوط گفته فریاد می زنند. شخصی ارمنی باقیچی گردن و اندام ضعیفه [را] مجروح کرده فرار می کند. میرزا داود می رسد برادر زن خود را فراری دیده به منزل میرزا هادی رفته عیال مشارالیه را مجروح و توی خون غوطه ور دیده فوراً مشارالیها را به منزل خود برده مشغول مداوا می باشد. برادرزن میرزا

داودخان هم فرار اختیار کرده است.

### ورود امیر اعظم به استرآباد

سلخ ماه اکتبر از طرف انجمن و مشروطه خواهان به قرب سی بیرق دستدبندی نموده استقبال امیر اعظم فرستاده سد ساعت به غروب ایالت را به احترام زیاد وشلیک توپ وارد نموده، اول به انجمن وارد شده بعد به دیوانخانه مراجعت نموده صد نفر قزاق و شصت نفر سوارهای کوداری با پنج نفر مجاهد همراه ایالت وارد استرآباد شدند.

### کاغذ ایالت به تراکمه

صبح غره ماه نوامبر حسب الامر ایالت سالاراکرم و ساعدلشکر و صمصام لشکر چندرقعه به خوانین جعفربائی و اتابائی و ایلغی و داز نوشته اطمینان داده به شهر بیابند.

### چپاول گاو ایلوار

دویم ماه مذکور خبر رسید سوار جعفربائی به قریه ایلوار سه فرسخی مغربی رفته يك بلوك گاو چپاول کرده بردند.

### گرفتن سه نفر دولتی را

به تصویب انجمن امیر اعظم يك نفر گماشته سالار مقتدر، دو نفر گماشته سالار معزز را گرفته حبس نمودند.

### لباس برای سرباز

ایضاً امیر اعظم امر نمود پانصد دست لباس برای فوج هزار جریبی خیاطهای دوزند.

### سرقت دکان بندر

معاذ الملك سرحددار برای ملاقات ایالت به استرآباد آمده. تلگراف رسید يك درب دکان دربندر شکافته پنجاه تومان وجه نقد بردند.

### تقدیمی اسب حسین خان

سیم ماه مذکور حسین خان سرهنگ کتولی ملقب به مفاخر الملك که انجمن او را در عوض سالار معزز حاکم کتول نموده اند چهار اسب ممتاز از اسبهای علی محمد خان سالار معزز [را] که به غارت برده تقدیم امیر اعظم نمودند.

### کاغذ شیخ حسین دامغانی به امپراطور روس

رئیس پستخانه بندر جز پاکتی از دست شیخ حسین نام ساکن جز دامغان به عنوان امپراطور دولت روس گرفته عین پاکت را توسط سرحددار به استرآباد فرستاده به امیر



اعظم دادند.

مفاد عریضه آخوند دامغانی: مدتی است ایران هرچ و مرجع<sup>۱۶۱</sup> شده صاحب درستی ندارد. ماها که علمای ایران می باشیم این مملکت آشوب را به شما واگذار نمودیم که تمثیت داده و مردم در امان بوده باشند. رئیس پست بندر آخوند دامغانی را گرفته به سرحداری فرستاده حبس نمودند. نصف شب آخوند مزبور عبا و عمامه را توی منزل گذارده به منزل انگط روس رفته متحصن شدند.

### انعقاد انجمن عدلیه

[۷ نفرند: شیخ طاهر، شیخ حمزه، شیخ غلامحسین، حاج محمد رضا، آقا حسینقلی، آقا محمد ابراهیم، سالار اکرم نایب الحکومه]  
شب چهارم ماه مذکور ایالت تشکیل انجمن عدلیه داده شش طغرا اعلان نوشته در بازار چسبانیده اشخاصی که از دیوانخانه تفنگ و اسباب مجاهدین را بدغارت برده و تفنگهای دیوانی که اهالی شهر برای محافظت گرفته اند نهروزه مهلت است که تماماً را به انجمن آورده قبض بگیرند والا مورد سیاست و مجازات خواهند بود.

### رفتن ایالت به عنوان شکار به قره سو

روز مذکور صبح زود ایالت با صدسوار قزاق و کوداری به عنوان شکار سوار شده به سمت قره سو می روند. پهلوی قره سو دو فرسخی شمالی که مرحوم سپهسالار قراولخانه درست نموده بود برای صرف نهار پیاده شده توسط کربلایی محمدخان داروغه به قرب صدسوار اتابائی خدمت ایالت آمده و یک نفر اسیر که در شب ۲۹ ماه اکتبر برده بود تقدیم کرده از طرف معظم الیه اطمینان کامل برای رفت و آمد تراکمه به شهر داده شد. تاچده شود.

### آمدن تراکمه به شهر

صبح پنجم ماه نوامبر ده نفر سوار جعفربائی به اتفاق سی نفر سوار اتابائی خدمت ایالت آمده هر یک خلعت گرفته رفتند.

### ورود معاون قونسولگری

از راه بندر جز ششم ماه مذکور یک نفر معاون برای قونسولخانه آمده از طرف ایالت سوار قزاق برای تجلیل روانه شد.

## نمره ۷۸

۱۲ نوامبر

### درباب ورود معاون

به عرض رفته بود روز ششم نوامبر معاون مذکور وارد شده، يك شب توقف کرده صبح زود به سمت خوجه نفس و گموش تپه رفتند.

### رفتن امیر اعظم به جعفر بائی

هفتم ماه مذکور امیر اعظم به اتفاق دوسه نفر خوانین و اجزاء مخصوص خود و سوارهای گوداری و قزاق به جعفر بائی رفته يك ساعت به منزل ارازخان پسر ملاقلیچ خان توقف کرده، بعد از صرف ناهار به خانه مرحوم حاج محمدخان سرتیپ پیاده شده طایفه مذکور احترام زیادی از نواب والا نمودند. لکن طایفه یارعلی خیال شرارت و جلو گیری از ایالت داشته، پیر مردان طایفه نورعلی حمایت سخت از امیر اعظم کرده نگذاشتند حرکت بی قاعده از بارعلیها صادر شود. چون ایالت شب را میهمان بود به این لحاظ توقف نکرده مقارن غروب حرکت کرده دو ساعت از شب وارد به شهر شدند.

### آوردن اسیر چارچناری

ایضاً ساعدلشکر يك نفر ترکمان اتابائی را نزد محمدخان ایلغی فرستاده بچهرعیت چارچناری را آورده به انجمن عدلیه تقدیم نمودند.

### انعقاد کمیسیون جنگی

حسب الامر ایالت کمیسیون جنگی مقابل انجمن عدلیه منعقد شده دارای هفت نفرند. بشیر همایون اجزاء ایالت رئیس کمیسیون می باشند. سه نفر تجار آقارمضان و حاجی رحیم و حاجی محمد اسمعیل. سه نفر صاحب منصب حاجی مخبر السلطان میر پنجه توپخانه و غیاث خان هزار جریبی مشغول جمع نمودن تفنگ و فشنگ و اموال غارت شده می باشند.

### درباب سالار مقتدر

برادرش مهدی خان سرتیپ از طرف حاج شیخ حسین به فندرسک رفته بلوانماید. در ضمن ساعدلشکر خدمت ایالت عهده گرفته سالار مقتدر و سالار معزز را به شهر آورده اصلاح نماید. هشتم ماه نوامبر خبر رسید اهالی فندرسک بلوای سخت نموده اطراف سالار مقتدر را محاصره کرده معظم الیه نصف شب بایک پسرش سوار شده فراراً به طایفه کوچک می رود. رعیت فندرسک خانه سالار را شلیک تفنگ می نماید. عباس خان برادرزاده سالار تیر گرفته فوت شد. اهل و عیال سالار توقیف، اموال غارت شده، دواسب بایک عدد قالی و دوقالیچه نهم ماه مذکور غارتیان به شهر آورده تقدیم ایالت نمودند.

### درباب حبس کردن سلیمان خان ورعیت سرخانکلاه

ایضاً حاج شیخ حسین به واسطه غرض سابقه که بارعیت سرخانکلاه و سلیمان خان برادر حاج رحیم خان داشته روز دهم ماه نوامبر مقارن سلیمان خان سرتیپ را باسی نفر رعیت سرخانکلائی از توی شهر گرفته حبس نمودند. فوراً ده نفر سوار سرخانکلاه فرستاده شبانه ریختند به خانه های رعیت، چند نفر دیگر را گرفته انواع و اقسام انیت نمودند. صبح یازدهم به واسطه تعدیات بی جهت به قرب چهل زن پیاده به شهر آمده در انجمن عدلیه شاکی شدند. تاجه اقتضا کند.

### رفتن ایالت به اتابای

یازدهم نوامبر امیر اعظم با صد سوار و ساعدلشکر و صمصام لشکر سوار شده به خانه... ۱۶۲ طایفه آق می روند. محمدخان ایلغی باسی سوار به آنجا آمده ایالت مهربانی زیادی به ایشان نموده پنجاه تومان اشرفی به محمدخان انعام داده قرار دادند. محمدخان به طایفه کوچک و دویجی رفتند سالار مقتدر و سالار معزز را اطمینان داده خدمت ایالت بیاورد.

### آوردن پسرهای سالار [مقتدر]

ایضاً ده سوار فندرسکی سه نفر پسرهای سالار مقتدر را مغلولا به شهر آورده در صندوقخانه ایالت تسلیم نمودند. سید حسین خان بدسن شانزده سالگی و دو پسر دیگر هشت سال زیاده ندارند.

### درباب حسین خان کتول

به اجازه انجمن امیر اعظم يك ثوب لباده ترمه به حسین خان سرهنگ خلعت داده به حکومت کتول فرستادند.

نمره ۷۹

۲۰ نوامبر

### وجه اعانه استرآباد

به موجب احکامی که از جناب مستطاب آقای آخوند ملا [محمد] کاظم خراسانی از نجف رسیده بر تمام خلق واجب است وجه اعانه در این موقع به دولت بدهند. حسب الامر ایالت و حاج شیخ حسین جار کشیدند پنج روز تمام خلق برای دادن وجه اعانه در مسجد جامع حاضر باشند. سیزدهم نوامبر سه ساعت به غروب امیر اعظم با اعضای انجمن در مسجد

رفته حکم حجج اسلام [را] در منبر قرائت نمودند. در این چندروزه پانزده هزار تومان وجه اعانه از مردم گرفته شد. لکن به همین میزان از کرد محله و اتران و غیره خواهند داد.

### سرقه مال از سرخانکلاه

شب ۱۴ ماه مذکور خبر رسید تراکمه طایفه ایلغی دورأس قاطر و یک مال از سرخانکلاه به سرقت بردند.

### معزولی بشیرهمایون

ایضاً به موجب تلگراف سردار منصور بشیرهمایون رئیس پستخانه معزول شده موقتاً به میرزا محمدخان ناظم واگذار است.

### سرقه گاو سعدآباد

ایضاً خبر رسید دزد طایفه اتابائی دو رأس گاو و یک رأس مادیان از قریه سعدآباد نیم فرسخی مغربی به سرقت بردند.

### آمدن سالار به ایلغی

به عرض رفته بود محمدخان ایلغی به عهده گرفته سالار مقتدر را به شهر بیاورد. معظم‌الیه همراه محمدخان به طایفه ایلغی زمانی که مدیر قونسولگری در خوجه نفس بوده دونفر ترکمان از جانب سالار خدمت مدیر رفته اطمینان از مدیر روس می خواهد. مدیر روس جواب داده من نمی توانم بدون ملاقات ایالت اطمینان بدهم، به شهر می روم با ایالت در این باب مذاکره خواهیم کرد. هر آینه اطمینان حاصل شد غلام می فرستم شما به شهر بیایید. هر آینه اطمینان داده نشد تکلیف شما این است بروید به روسیه، یا اینکه سوارهای تراکمه را جمع نموده ولایت را بچاپید. از طرف من هم به شما همراهی خواهد شد. در ضمن پیر مردان طوایف یموت عریضه خدمت ایالت فرستاده سالار مقتدر شخص محترم نباید به ذلت بیفتد، شما که ایالت [استر] آباد می باشید و از طایفه یموت طمع دارید بر شما لازم است که سالار مقتدر را محترم و به جای خود برقرار نمائید والا از تمام تراکمه یموت چشم پوشانیده جاناً و مالاً از سالار مقتدر مضایقه نکرده همراهی می نمائیم.

### درباب آتش بازی

شب ۲۶ ماه نوامبر حسب الامر ایالت میدان توپخانه، سردرب تلگرافخانه را زینت و چراغبانی کرده نیم ساعت آتش بازی نمودند. از آنجا برای تماشا ایالت و اجزاء خود از توی بازار نوابندان به سمت انجمن رفتند که تمام دکاکین و سردرب خانه‌ها چراغبانی و شیرینی و شربت و چای درب دکاکین موجود بود. ورود به انجمن مشروطه خواهان به صدای بلند زنده باد مشروطه و برکنده باد استبداد [گفته] صرف چای و شربت نمودند. نطق ایالت: بحمدالله والمنة مات ایران وطن پرست و مشروطه خواه گردیده، امید است اشخاصی

که قدم در استبداد گذارده تماماً بهجاده مسلمانی برگردند و دست اجانب را از سر خودمان برداشته و نگذاریم دولت روس و انگلیس از هر طرف بهما تعدی و اجحاف نمایند. بعد از نطق حرکت کرده به سمت بازار تماماً را تماشا کرده چهاراز شب مراجعت نمودند.

### بردن گوسفند کتول

ایضاً خبر رسید سوار طایفه داز و ایلغی به کتول رفته دو بلوک گوسفند چپاول کرده آوردند.

### فرستادن ایالت پسرهای ایلیخانی را

هیجدهم ماه مذکور سالار مقتدر از خانه محمدخان ایلغی حرکت نموده در آتابائی منزل حاج آخوند می رود. ایالت برای اطمینان معظم الیه و اصلاح فی مابین سه نفر پسرانش را فرستاده سالار مقتدر را به شهر بیاورند.

### بردن گوسفند کماسی

شب نوزدهم یازده سوار طایفه ایلغی به قریه کماسی نیم فرسخی شمالی آمده هزار و پانصد گوسفند از توی قریه چپاول کرده بردند.

### آمدن ایلیخانی

شب بیستم ماه نوامبر یک ساعت از شب گذشته سالار مقتدر به اتفاق پسرهای خود و پسر علی محمدخان سالار معزز و چند نفر خوانین ترکمان به شهر آمده به منزل حاج شیخ حسین وارد شده از آنجا خدمت ایالت رفته، مراجعت به منزل خود نمودند. تا چه اقتضا کند.

## نمره ۸۵

۲۷ نوامبر

### کلاتری اتران

توسط معاضد الملك سرحددار بندر جز کلاتری اتران و توابع را به محمد علی خان سرهنگ و اگذار کردند. لکن اهالی کرد محله همه روزه از دست پسر میرزا جعفرخان به امیر اعظم شکایت می نمایند و معزی الیه را به کلاتری قبول ندارند.

### درباب وجه مسروقه

در حکومت سپهدار به عرض رفته بود دو هزار و چهار صد تومان وجه منات که از سفارت روس حمل به پست شده بود بین راه شاهرود و استراباد سرقت شده دو نفر قاطرچی صمصام لشکر برای سرقت وجه مذکور در حبس فوت شدند. در این موقع که امیر اعظم

به استرآباد وارد شده و وجه مسروقه در سرخانکلاه بروز کرده آقاخان تفنگدار گماشته ایالت مباشر سرخانکلاه به قرب صد و پنجاه دانه پنج مناتی خریداری کرده به ایالت راپرت دادند. سه نفر سارقین را دستگیر و هزار و هشتصد تومان عین وجه را با اجناسی که حمل به رشت شده بود به امیراعظم تسلیم نمودند. يك نفر سارق فرار کرده است.

### آمدن رکن الوزاره

بیست و دوم ماه نوامبر رکن الوزاره رئیس کمیسیون گنبد قابوس به استرآباد آمده متوسل به امیراعظم گردیده او را به جای خود برقرار نمایند.

### بردن مال و اسیر

شب بیست و سیم ماه مذکور طایفه ایلغی از خرمن شلتوک سرخانکلاه دو فرسخی شرقی پنج رأس مادیان، يك نفر آدم عوض ساخلوئی گرفته بردند.

### حکومت فندرسک و کوهسار

به واسطه خدمات مهدی خان سرتیپ برادر ایلخانی حکومت رامیان و کوهسار را ایالت به او واگذار کرده، حکومت فندرسک را به میرزا هادی خان سرتیپ برادرش، خلعت پوشیده رفتند.

### سرقه گاو توشن

شب بیست و چهارم ماه مذکور دزد طایفه آتابائی دو رأس ورزا از قریه توشن نیم فرسخی جنوبی سرقه کرده بردند.

### درباب داروغه گری طایفه آتابائی

به اجازه حاج شیخ حسین رئیس انجمن ایالت داروغه گری طایفه ایلغی و آتابائی را به حیدرقلی خان پسر حاج رحیم خان مقتول مرجوع نموده به این سبب طایفه مذکور رنجش کرده، در صورتیکه تراکمه آتابائی واضح و آشکار پیغام داده بودند که حاج شیخ حسین بیاید رئیس انجمن باشد. حال که حیدرقلی خان را داروغه کرده اند ما هم خدمت نخواهیم کرد. طایفه آتابائی و ایلغی کوچیده يك فرسخ عقب نشسته، گوسفند قریه کماسی که به غارت برده جواب نمودند.

### درباره تبعیت سید ابراهیم استرآبادی

منارعه عباس عظیم اوف رشتی با سید ابراهیم استرآبادی [را] سابقاً به عرض رسانیده بود. سید ابراهیم در هشتم ماه رمضان بادکوبه رفته توسط تجار قفقازی تذکره صادر کرده که سید ابراهیم اهل قفقاز است، در صورتیکه اصلاً اهل قزوین [و] چندسال است در استرآباد آمده ساکن شده. بعد از گرفتن تذکره به استرآباد آمده فوراً به قونسولگری رفته هفتاد

«کوپیک» روس به مدیر قونسولگری داده تذکره اورا امضاء بنماید. بعد از دوروز داروغه بازار درب دکان سیدابراهیم بایک نفر فراش رفته مطالبه شش تومان مالیات کارخانه عساری می نماید. سیدابراهیم جواب داده من تبعه روس هستم دیناری نخواهم داد. به امیراعظم راپرت می دهند دو نفر فراش را بایک نفر نایب از طرف ایالت مأمور شده. درب دکان سید ابراهیم رفته اظهار داشتند ایالت شمارا احضار نموده سید جواب داد من تبعه خارجه هستم، یک نفر از قونسولگری بیاید من خواهم آمد، والا بدون اجازه حق آمدن ندارم. مأمورین کمرسیدرا گرفته کشان کشان با چوب زیادی اورا به دیوانخانه برده فراش باشی قدری چوب زده به منزل وزیر بردند. سید در منزل وزیر جواب ناملایم به فراش باشی می گوید. پنج شش نفری آنچه توانستند سیدرا چوب زده و حبس نمودند. دو ساعت از شب گذشته حاج شیخ حسین فرستاد سید را بردند. مدیر قونسول روس خدمتکاری داشته حمل داشت. مشارالیهها برای وضع حمل به روسیه رفته بود. در این موقع مدیر قزاق مخصوص برای آوردن خدمتکار بادکوبه فرستاده و خودش به خوجه نفس رفته انتظار ورود محبوبه را داشت، و در ضمن هم انقلاب سرحدی را همه روزه به ایالت راپرت می دادند. یک طرف مدیر و یک طرف کموسر با بیرق در طوایف یموت گردش کرده تراکمه را امر به چاپیدن می نمودند. ایالت این مطالب را با تبعه شدن سیدابراهیم تلگرافاً به طهران راپرت داده و استشهادی نوشته عموم تجار و اعیان استرآباد امضاء نمودند که سیدابراهیم اصلاً استرآبادی می باشد. ورود مدیر روس به شهر سیدابراهیم عریضه تظلمانه می دهد. مدیر عین عریضه را به سفارت تلگراف کرده جواب رسید دو سال قبل سیدابراهیم با عباس عظیم اوف طرف گفتگو بوده و تبعه ایران بوده، حالت به چه قانون تبعه روس شده است. هرآینه شاهی در استرآباد دارد که اصلاً اهل قفقاز است پذیرفته خواهد شد. والا دولت روس حق همراهی از این شخص ندارد. تاچه اقتضا کند.

### درباب دونفر اسیر

روز بیست و هشتم ماه نوامبر دونفر اسیر چارچناری را محمدخان ایلیغی توسط علی اکبرخان پسر سالارمقتدر خدمت ایالت فرستاده تسلیم حاج شیخ حسین رئیس نمودند. تاچه شود.

### نمره ۸۱

#### درباب فوت میرزا علی اکبرخان

روز بیست و هشتم ماه نوامبر سه ساعت به غروب میرزا علی اکبرخان کفیل کارگذاری استرآباد به مرض قولنج فوت شدند.

### درباب فوت سالار معزز

به عرض رفته بود آقاخان سرتیپ همراه میرسعدالله خان سالار به شهر آمده خدمت ایالت رفته بود، امنیت برای آمدن سالار معزز خواستند. قرار شد درازاه سند دوازده هزار و پانصد تومان که سال قبل توسط میرزادادگر جی گرفته بودند به انضمام پنج هزار تومان تریول که هفده هزار و پانصد تومان بوده باشد، ایالت مأموری به کتول فرستاده از املاک مشارالیه برداشت نماید. شب بیست و نهم ماه مذکور آقاخان سرتیپ از راه آتابائی به دویچی می رود که سالار را بیاورد. ورود ایشان به طایفه دویچی سالار معزز دنیای فانی را وداع کرد فوت شد و نعش او را به دار کلاه فندرسک برده بعد از غسل در تابوتی گذارده به شاهرود فرستادند. اهل و عیال و پدرش را گرفته به شهر آوردند.

### درباب آمدن جعفر بائی

به سبب وعدو وعید زیاد از طرف ایالت خوانین طایفه جعفر بائی یار علی و نور علی تماماً به شهر آمده چند نفر آنها حسب الامر ایالت به دویچی رفته موسی خان سرتیپ را بیاورند.

### درباب گوسفند حاجی زکریا

به عرض رفته بود تراکمه طایفه ایلغی گوسفند از قریه کماسی چپاول کرده یک مرتبه علی اکبر خان پسر میرسعدالله خان برای گوسفندها رفته، تراکمه ایلغی جواب دادند حاج شیخ حسین شلتوک ساخلوئی سرخانکلاه و معصوم آباد را تماماً بدهد و سند ساخلوئی را هم بنویسد و امنیت به طایفه ایلغی بدهند که رفت و آمد بشود، گوسفند را می دهم. به صوابدید ایالت حاج شیخ حسین رئیس، حاجی تقی خان پسر عموی خود را برای اطمینان تراکمه غره دسمبر همراه علی اکبر خان فرستاده اظهارات تراکمه را مستقبل گردیده به قرب ششصد رأس گوسفند بدل و لاغر بادورأس یا ابو علی اکبر خان گرفته به شهر آوردند.

### بردن گاو از شهر

شب دویم ماه مذکور تراکمه آتابائی به شهر آمده پنج رأس گاو از توی شهر سرقت نموده بردند.

### آمدن موسی خان ترکمان

سیم ماه دسمبر موسی خان سرتیپ طایفه قرچی به اتفاق خوانین جعفر بائی و مولام ایلغی و چند نفر از طایفه ایلغی و قرچی خدمت ایالت آمده کمال مهربانی را به ایشان فرمودند.

### تعمیر قریه محمدآباد

دو روز است که رعایای محمدآباد یک فرسخی شمالی به امداد اربابان خود مشغول



ساختن خانه برای خود می‌باشند.

### چپاول رامیانیها گوسفند قجق

ایضاً خبر رسید اهالی رامیان به لجاجت مهدی‌خان سرتیپ که حاکم ایشان شده است يك بلوك گوسفند از طایفه قجق چپاول کرده بردند. ایالت فراشبازی خود را با چند سوار برای مجازات آن اشخاص و رسیدگی مالیات رامیان فرستاده رفتند.

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# مخابرات استرآباد

١٩١٠

(١٩ ذى الحجه ١٣٢٧ - ٢٨ ذى الحجه ١٣٢٨)

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## نمبر ۸۲۵

۱۱ جنوری ۱۹۱۵

### فوت حسین خان کتول

حسین خان سرھنگ ملقب بہ مفاخر الملک حاکم کتول فوت شد۔ اعضای انجمن سراورا بہ سن دوازدہ سالگی بہ جای پدرش قرار دادہ، حیدرخان عموی مشارالیہ پیشکار حکومت کتول می باشد۔

### رفتن امیر اعظم بہ گموش تپہ

ایالت، خوانین استراباد را باخوانین یموت احضار، بہ اتفاق صدوپنجاه سوار قزاق و کلبادی بہ گموش تپہ رفتہ دوشب در آنجا توقف نمود۔ بالتکا بہ سمت بندر جز [رفت]۔ دوسہ نفر ہم اعضای انجمن را برای گرفتن وجہ اعانہ ہمراہ خود نمودہ بودند۔ دوشب در بندر جز توقف [کردہ] بہ کرد محلہ آمدند۔ دوشب ہم در کرد محلہ برای گرفتن وجہ اعانہ کہ تقریباً از کرد محلہ و النک و چہار دہ ہفت ہزار تومان وجہ بد اسم اعانہ جمع آوری نمودہ روز ہفدہم ماہ مذکور مقارن غروب وارد بہ شہر شدند۔

### درباب ایلخانی و خفہ کردن اورا

مراجعت امیر اعظم اعضای انجمن بہ تصویب حاج شیخ حسین رئیس مجدداً برای ایلخانی اسباب چینی و باعث قتل مشارالیہ شدند۔ روز ہیجدهم ماہ دسمبر مقارن غروب پنجہ قزاق خانہ ایلخانی را محاصرہ کردہ ریختند توی خانہ مشارالیہ و میر محمدخان با پسرہایش را گرفتہ بہ دیوانخانہ بردند۔ اہل و عیال مشارالیہ پای برہنہ و بدون چادر از ترس توی کوچہ ہا فراری شدند۔ شب نوزدہم دسمبر مبشرہمایون نصف شب مأمور گردیدہ میر سعد اللہ خان ایلخانی را با حال نقاہت سوار یا بوئی نمودہ بہ سمت قزلق روانہ شدند۔ بین راہ صدمہ زیادی [دیدہ] تا از قزلق گرفتہ بہ رباط سفید رسیدند۔ اورا طناب انداختہ خفہ کردند۔ بعد از غسل و تکفین در همان جا دفن می نمایند۔ مراجعت مبشرہمایون شہرت دادند بہ واسطہ نرسیدن تریاک و نقاہت مزاج فوت شد۔ بعد پسرہایش را دوازدہ ہزار

تومان حکم شد بدهند و هزار تومان برای ایالت، دو هزار تومان طلب حاج محمد رضا و غیره، شش اسب سواری اورا هم ضبط [کردند]. علی اکبر خان پسر بزرگ ایلخانی را در حبس نگاه داشته و سایرین را با مأمور مخصوص به فندرسک فرستاده وجه مزبور را دریافت بدارند. لکن خانه را ضبط و مدرسه به جهت اطفال به اسم مدرسه امیریه دایر نمودند.

### حریق باروط

روز نوزدهم ماه دسمبر يك چلیك باروط از شاهرود برای حاج محمد زمان تاجر آورده بودند. چلیك را توی بازار جلوی دکان گذارده علی اکبر برادرش چلیك را با چکش باز کند. [از] حرارت آهن برقی جستن نموده باروط آتش گرفته مانند توپی صدا کرد که تمام اهالی شهر مدارا استماع نمودند. يك چلیك دیگر هم توی دکان بود بنسب افشان شدن آتش آن هم آتش گرفته که سقف دکان را حرکت داده، پنج درب دکان اطراف با اسباب و اجناس از این حریق تفریط و به قرب بیست نفر هم سوختند. علی اکبر نام برادر حاجی محمد زمان به سن بیست و دو ساله به فاصله يك ساعت فوت شد. يك نفر دیگر قصاب و کربلائی عباسعلی غلام باشی کارگذاری چند روز در بستر افتاده فوت شد. مابقی مجروحند.

### دریاب رکن الوزاره

به عرض رفته بود مدتی است به استرآباد آمده متوسل به ایالت شده، جزئی حقوقی به مشارالیه داده شد. بیست و چهارم ماه مذکور يك نفر ملازم خود را به گنبد قابوس فرستاده اهل و عیال را به سمت شاهرود حرکت بدهد. معظم الیه روز بیست و هشتم به سمت شاهرود عزیمت نمودند.

### فرستادن اسب به طهران

غره ماه جنواری ایالت شش رأس اسب توسط حسن خان رشید نظام برادر سپهدار به وزارت داخله فرستادند - ۱۹۱۵.

### چپاول دویچی ها

سیم ماه مذکور هفت نفر سوار دویچی سی رأس گاو از طایفه چاروای قجق چپاول کرده آوردند.

### رفتن مدیر به بارفروش

ایضاً مدیر روس به اتفاق میرزا جعفر منشی به خوجه نفس، از آنجا بندرجز يك شب توقف کرده به سمت بارفروش رفتند.

### وکیل طایفه جعفربائی

از طرف جعفربائیهها آدینه محمدترکمان تاجر مخصوص گموش تپه به وکالت ایلات منتخب شده، ماهی صدتومان به او بدهند. هفتم ماه جنواری قضات جعفربائی به شهر آمده درانجمن مذاکره رفتن آدینه محمد را نمودند. مشارالیه بدطهران باید [برود] قراری به جهت شرارت ایلات و رفع گدورت بین ولایت و تراکمه بشود. عجالتاً قراری دراین باب داده شد. ده روز دیگر آدینه محمد بدوکالت ایلات تراکمه به طهران می رود.

### نمره ۸۳

۱۸ جنواری

احداث مدرسه

بعد از فوت میرسعدالله خان ایلیخانی به تصدیق اعضای انجمن، امیراعظم خانه مشارالیه را که وقف مرحوم میرزا علینقی خان امیر پنجه، حسینیه بنانهاده و تخمیناً هزار و پانصد تومان قنوات شخصی فندرسک را وقف بر این خانه کرده بودند تشکیل مدرسه موسوم به «امیریه» داده اند. به قرب سی نفر اطفال کوچک و بزرگ را سه درجه قرار داده اند. ابتدائی ماهی هشت هزار — درجه دوم دوازده هزار — درجه سیم زبان فرانسه دو تومان — آقاسید مهدی حکیم دامغانی را برای معلمی فارسی و منوچهر خان دکتر را معلم فرانسوی قرار داده و شخصاً همه روزه دو ساعت به غروب به مدرسه رفته باشاگردان فرانسه خوان صحبت و شوخی و بابچه های خوش سیما لاس باطنی و همراهی ظاهری و عیش می نمایند. روزی در مدرسه مزبور یکی از شاگردان بزرگ نسبت به شاگرد کوچک تر حرکت بی قاعده که دلیل بر شیطنت و هرزگی آن بود می نماید. منوچهر خان دکتر مطلب را درک نموده خواست آن دو شاگرد را مجازات دهد. شاگرد اعتنائی نکرده دستی توی سینه فراش مدرسه زده فرار کرد. او را از پدرش خواستند. پدر آن شاگرد حاضر، حرفهای وحشیگری [زده] که پسر من این حرکت را نکرده نباید مجازات بشود. دکتر مزبور بدین سبب تعرض کرده اجازه از ایالت گرفته سیزدهم ماه جنواری از راه مازندران به سمت رشت حرکت نمودند.

### در باب پولیسها

به امر ایالت مبشرهمایون مجاهد رئیس نظمی به اتفاق بیگلریکی چهل و پنج نفر پولیس به سن پاترده سالگی الی بیست و پنج ساله گرفته ماهی شش تومان موجب و لباس به ایشان داده، شب و روز مشغول حراست و محافظت بلدیه بوده باشند. مبشرهمایون خانه ای توی شهر اجاره کرده منزل نمود یک شب یک نفر پولیس را به اسم قراولی برده عرق زیادی داده فعل بدی با او می نماید. شب دوم هم یک نفر دیگر را به همین منوال.